

فلسفه حقوق

تألیف:

دکتر غفور خوئینی

عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه	: خونی، غفور
عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه حقوق/مؤلف غفور خونی
مشخصات نشر	: تهران: مجد، ۱۳۹۳.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۲۵۳-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: حقوق -- فلسفه
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۸ف۹خ/۸۲۳۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۰/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۰۳۰۷۱

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
موارد تخلف را به دفتر مرکزی مجد گزارش فرمایید.

فلسفه حقوق

تألیف: دکتر غفور خونی

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۳ تعداد: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و منحصر به «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، میدان انقلاب، خیابان وحید نظری، تقاطع خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۲۵۳-۳

ISBN: 978-600-193-253-3

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منبری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

شعبه یزد: خیابان فرخی یزدی، مجتمع تجاری شقایق، طبقه هم کف - تلفن: ۰۳۵۱ ۶۲۶۸۶۷۰

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۳۰۰۰۸۷۷۶۷۷

فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور به طور منظم منتشر می شود.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۷
بخش اول: فلسفه حقوق و نظام های حقوقی.....	۱۱
فصل اول: کلیات.....	۱۳
ضرورت تعریف.....	۱۳
اهمیت و جایگاه فلسفه حقوق.....	۱۳
جایگاه فلسفه در فلسفه حقوق.....	۱۶
رابطه علم و فلسفه.....	۲۴
فلسفه حقوق و رویکرد های فلسفی.....	۳۲
فلسفه های تحلیلی و قاره ای.....	۳۳
تاثیر جهانی شدن بر فلسفه های حقوق قاره ای و تحلیلی.....	۴۲
تاریخ فلسفه حقوق.....	۴۷
موضوع فلسفه حقوق.....	۵۴
مبانی حقوق.....	۵۸
اهداف اجتماعی حقوق.....	۷۲
دست آورد فلسفه حقوق در نظام حقوقی.....	۷۶
فصل دوم: منابع حقوق.....	۷۸
منابع حقوق.....	۷۸
جایگاه و اعتبار عرف و سیره عقلاء.....	۸۰
معرفت شناسی و تحقیقات حقوقی.....	۱۳۸
فصل چهارم: حقوق و قواعد اخلاقی و اجتماعی.....	۱۶۹
حقوق و اخلاق.....	۱۶۹
سنت های فرهنگی و حقوق اجتماعی:.....	۲۳۷

۲۴۷.....	بخش دوم: دانش و قواعد تفسیری حقوق
۲۴۹.....	فصل اول: تفسیر قوانین
۲۴۹.....	تفسیر قوانین
۲۶۴.....	نقش زبان و بیان در ارتباطات حقوقی انسان
۲۸۳.....	نقش زبان و معنا در فهم و استنباط گزاره های حقوقی
۳۰۵.....	فصل دوم: شرایط و قواعد تفسیر
۳۰۵.....	عوامل تأثیر گذار (شرط ها و امکان ها) در تفسیر
۳۱۴.....	تفسیر متون حقوقی در غرب
۳۳۰.....	فصل سوم: مکاتب تفسیری در حقوق
۳۳۰.....	تفسیر قانون و مکاتب تفسیری
۳۵۳.....	فصل چهارم: نظام تفسیری در حقوق ایران
۳۵۳.....	حق تفسیر در قوانین
۳۵۵.....	منابع معتبر در قانون اساسی
۳۶۴.....	روش های تفسیری در نظام تفسیری حقوق ایران
۳۸۰.....	رابطه پرسش حقوقی و پاسخ عمومی
۳۸۲.....	تأویل و تفسیر در علم اصول
۳۸۷.....	منشا خطا در تفسیر
۳۹۱.....	منابع

مقدمه

توسعه و پیشرفت دانش بشری در عرصه های گوناگون، مجالی را فراهم آورده است تا مراکز علمی و مجامع دانشگاهی بخشی از توان علمی خود را معطوف پژوهش در ماهیت علوم نمایند و ورود به ژرفای دانش های مختلف را وجهه همت خویش سازند. هر چند گام های اولیه این حرکت مبارک از دیرباز توسط یрخی از فرهیختگانی که ستارگان نورانی آسمانی دانش اند برداشته شده است، اما حقیقت آن است که در عصر اخیر این حرکت شتاب بیشتری یافته و به شکل ضابطه مند تری در حال رشد و شکوفایی است. امروزه علوم مختلف به فراخور توان و ظرفیت خود می کوشند تا در این حرکت سهم بوده و رسالت خود را در راستا ایفا نمایند.

دانش حقوق در میان سایر علوم انسانی به لحاظ امکانات و توانمندی هایی که دارد وظیفه خطیرتری بر عهده دارد. زیرا از یک سو می کوشد تا در عرصه درون علمی همگام با سایر دانش های بشری بر غنای خویش بیافزاید، در این عرصه سعی دارد که با پژوهش های سازمان یافته مطالعات و یافته هایش را اثربخش سازد، چیستی و ماهیت عناصر اصلی سازنده خود را بشناسد، مبانی و اهداف و غایات خود را به درستی و دقت تبیین نماید و از پیرایه ها بربانند، به منطق و روش شناسی خود نظم و نسق بیشتری بخشد، قلمرو قواعد خود را با وضوح کاملتری تعیین نماید، بین احکام و قواعد حوزه های مختلف حقوق مهندسی نماید تا با هماهنگی لازم بسان منظومه ای منضبط بتواند به سوی اهداف متعالی خویش به درستی حرکت نماید. از سوی دیگر در کنار این مسئولیت داخلی رسالت دارد در تحولات اجتماعی نقش کارگردانی را بر عهده گیرد تا بتواند ضمن هماهنگی اجزاء در مسیر توسعه و پیشرفت، موانع باز دارنده راه را بر طرف نموده و این مسیر را برای حرکت شتابان کاروان تمدن های نو به نو هموار سازد. پس در این عرصه لازم است زمان و مکان و مقتضیات آنها را در نظر بگیرد و همگام با تحولات اجتماعی و با بهره گیری از یافته ها و نوآوری های سایر دانش ها خود را فربه تر و آماده تر نماید. تلاش مداوم، بازسازی و ترمیم نقاط لازم و آسیب پذیر، انسجام در گرایشها و رشته های مختلف خود از ضروری ترین اقدامات

این دانش پربها محسوب می شود. کوشش فوق موجب خواهد شد تا زمینه های لازم برای عرصه اندیشه های جدید به وجود آید و این تنها مجالی است که در عرصه حقوق می تواند ترقی و پیشرفت را مدام برای بشر به ارمغان آورد از تعرض تعدی های جاهلانه ای که موانع اساسی توسعه اند صیانت کند.

بخشی که در علم حقوق چنین مسئولیتی را بر عهده دارد دانش فلسفه حقوق است. در این علم علاوه بر بحث در حوزه های ماهیت، مبانی، غایات، شناخت شناسی و تفسیر، مسئولیت تئوریزه کردن مهندسی اجتماعی حقوق را نیز بر عهده دارد.

جای بسی خوشوقتی است که در این عرصه، اندیشه های ناب و گرانبهایی به عنوان میراث گرانقدر از نیاکان فرهیخته مان در دسترسمان قرار دارد، میراث ذی قیمتی که در فراز و فرود های اجتماعی و مصائبی که بعضاً در طول تاریخ پدید آمده محفوظ مانده اند و امروز به عنوان امانتی گرانقیمت به دست ما رسیده است. با بهره گیری از چنین داشته های ارزشمندی است که اساتید فن و عالمان اندیشمند کوشیده اند در حوزه فلسفه حقوق آثار گرانسنگی را پدید آورند و در اختیار این دانش پر ارج قرار دهند.

من و امثال منی که نویسندگان این رهیم نیز مشتاقانه می کوشیم تا خود را همسفر کاروان مردان و زنان با همتی والا گردانیم که حاملان مشعل دانش به سر منزل مقصوداند، این مشعلداران فرهیخته علم بزرگوارانه به خیل دانشجویان ساعی روحیه امید و نشاط می دهند و ره توشه لازم را برای حرکت در این مسیر در اختیار این نویسندگان کاروان قرار می دهند، صد البته از طبع بلند اساتیدی که دارای صفات حمیده و مکرمت های اخلاقی هستند جز این انتظاری نمی رود. ولذا باید با تمام وجود و از عمق جان گفت که راه پر ارج و ارزش تان پر رهرو باد.

نوشتار پیش رو که ره توشه ای است برگرفته از خرمن فضل و دانش اساتید که به فراخور بضاعت اندک علمی نویسنده به نگارش درآمده کوشیده است تا رویکرد اصلی در آن بیشتر معطوف نگاه حقوقی به فلسفه حقوق باشد تا یک نگاه فلسفی، هرچند در مواردی هم برای تبیین دقیق مسئله و طرح دیدگاه هایی که سازنده مبانی بودند ناگزیر شدیم تا ورودی به مباحث فلسفی داشته باشیم. در مباحث مطرح شده موضوعات فلسفه حقوق اسلامی نسبت به سایر مکاتب حقوقی برجسته تر است، دلیل این امر هم

علاوه بر باوری که به غنای این مکتب حقوقی داشته و دارم به واسطه نیاز و کاربرد حقوقی آن در کشور بیش از مباحث مربوط به سایر مکاتب حقوقی است.

به هرحال سالیان متمادی مطالعه و تدریس درس فلسفه حقوق در مقاطع تحصیلات تکمیلی منجر به یادداشت هائی شده بود که با تشویق دوستان شائقی که همواره از لطف شان بهره مند بوده ام و دانشجویان عزیز دوره های دکتری منجر به این شد تا بعد از بازنگری و احیای تکمیل مباحث امروز به زیور طبع آراسته گردد. به یقین تذکرات عالمانه اساتید و عالمان گرانقدر موجب امتنان و سپاس خواهد بود و به یقین در رفع کاستی ها و نقایص مؤثر و در کارهای آتی موجب کمال خواهد بود، ولی در عین حال تمنای زبان حال من مصادق این بیت است که:

غلام همت آن عالمان بلند نظر م که یک صواب بینند و صد خطا گذرند

در انتها به رسم ادب، ابتدا باید نهایت قدردانی و خاکساری خویش را به ساحت همه اساتید گرانقدری که از دامن پر فیض شان بهره برده ام اعلام دارم، فرهیختگانی که درک محضر و کلاس های پر از فضل و دانش آن گرامیان هرگز از یاد رفتنی نیست و اینک برخی در جوار لطف و عنایت حق آرام و قرار گرفته اند و از عالم خاکی به افلاکیان پیوسته اند و برخی دیگر وجود پر مهرشان برای ما نعمتی است گرانبها، در مرحله بعد درود خود را به ارواح والای پدر و مادرم نثار می کنم که هر توفیقی که در زندگانی به دست آورده ام از دعای خیر آنها ناشی می شود، در انتها از دانشجویان عزیز به ویژه دانشجویان ساعی مقطع دکتری گروه حقوق دانشگاه و همکاران ارجمند دانشگاه که در انجام این مهم یاری ام کردند نهایت سپاسگزاری را به عمل می آورم، همچنین بر خود فرض می دانم از همسر صبورم خانم شکوفه فرزانه و فرزندان عزیزم محمدصادق و امیرحسین که شافقانه کمک و همراهی کردند صمیمانه تشکر نمایم.

در پایان ضمن شکرگزاری به محضر ربوبی به خاطر همه الطاف به ویژه توفیق تألیف این نوشتار از ذات اقدس الهی این تقاضا را دارم:

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن مصلحی تو ای سلطان سخن

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

غفور خوثینی

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه خوارزمی